

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

افغان عامی

۰۵ اپریل ۲۰۱۱

همه بگوئیم "لغت بر هر نوع جاهلیت" و علیه آن قد علم نمائیم!

گردانندگان عالیقدر پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" سلام!

من یکی از همکاران قلمی تان هستم و ضرور نیست که به من خیر مقدم گفته اظهار امتنان بیشتر ننمائید. از آنجائیکه درین روزها اینجا و آنجا درسایت ها و من جمله در این پورتال می خوانم که عده ای بیباکانه بر افرادی که از نام مستعار کاری گیرند می تازند و شخص با نام مستعار را جیون وانمود کرده و حتا توهین می کنند ، خواستم به خاطر ابراز خشم و نفرت خود به آن عده ، اینبار با نام مستعار به شما بنویسم که شما هم قادر نباشید هویت مرا بدانید. این حق مسلم من است و هیچکسی نمی تواند مرا مجبور بسازد که هویتم را افشاء نمایم. دلیل آن بسیار ساده است: طور مثال من می خواهم آنچه از سرشت و خاصیت دین و مذهب برداشت دارم ، در پناه همین نام مستعار، بدون کوچکترین دغدغه خاطر بیان نمایم. من به فرد فرد از جمع شیادان پرمدها که فکرمی کنند دنیا دنیای دموکراسی و حق بیان است و گویا هر چه در ذهن انسان به صورت کاملاً طبیعی خطور کرد می تواند بدون تشویش و هراس به همه کس ابراز شود ، چلنج می دهم که چند کلمه ای عریان به ضد ارتجاع مذهبی بیان نمایند و یا چند سطر ی عریان بنویسند. ارتجاع دینی آنقدر بر بشریت حاکم است که در هر شکل و شماتتی خود را نمودار می سازد:

به شکل عقیدگرائی مفرط همراه با خونریزی و دهشت افکنی و یا هم در تبانی با قدرت غیر مذهبی حاکم در ممالک به اصطلاح پیشرفته و بهره مند از دموکراسی! که خود ستونی از آن قدرت را تشکیل می دهد و به شکل دیگری بر روان مردم حاکم شده و خون می مکد. برمی گردم به آن بخشی از جهان که ضدیت با جهل دینی و مذهبی پناهگاه موقت و مصلحتی دموکراسی های غربی را ندارد... و لزوم استفاده از نام مستعار به معنی مرگ و زندگی است.

چه انگیزه ای باعث این طغیان شد؟

امروز صبح زمانی که مشروح مندرجات پورتال را از نظر گذشتادم ، چشم به عنوان "لعنت بر هر نوع جاهلیت" افتاد. در اول آنرا برای خواندن اولویت ندادم. بعد تر زمانی که صفحه را باز نمودم هنوز هم نمی توانستم تجسم نمایم که چه وحشتی در انتظار شکنجه روان من در آن صفحه کمین نموده است. البته آنچه را اظهار می دارم ، نه نازکدلی و نازک طبعی است و نه هم کم جرأتی ناشی از کم سنی. من چارینج دهه زندگی را نترس و در پیچ و خم حوادث استوار پشت سر گذاشته ام و هیچگاه "رقیق القلب" نشده ام ولی آنچه را امروز در پورتال شاهد بودم ، زیرا مسؤولین پورتال تأکید نموده اند که آن تصاویر مزاح (مزاح اول اپریل) و شوخی نیست بلکه واقعیت زهر طعم چنین گذشته است ، سنگین ترین و تلخ ترین تأثیر را بر من نموده است. من مطمئن هستم که من در این احساس انسانی تنها نیستم و به جز جلالدان حرفه ئی (من جمله جلالدان سیاسی فاشیست) و شکنجه گران حرفه ئی ، هرآنکه نام انسان را به شایستگی حمل می کند ، نمی تواند از احساس خفقان و نفرتی که به من دست داده است، مبرا باشد.

"حلال کردن" (ذبح کردن انسان) را توسط طالبان در ویدیوی قسماً دیده بودم ولی هیچگاه آرزو نداشته ام که آن را تا آخر مشاهده نمایم. فقط همین قدر برایم ثابت شد که اوج بربریت در همین جنایت غیر قابل باور و بدون کیفر در قرن بیست و یک متجسم است. همچنان از سر زدن (سر بریدن) اسیران در جنگ های اسلام سیاسی در بعضی نقاط جهان می شنیدم و آنها را با طالبان همدیف و خونشریک دانسته در ذهن خود در همان بخش می سپردم. در گذشته هم واقع شده بود که راجع به "خودکشی" (زنده سوختاندن) بیوه یا بیوه جوان همزمان با سوختاندن همسرش در رسوم مذهبی هند به عصیان آمده و لعنت و نفرین نثار مجریان آن نمایم ، به خصوص اینکه شنیده ام که آن رسم منفور و غیر انسانی هنوز هم در بعضی از دهات هند رواج دارد. ولی آنچه را امروز راجع به تایلند و ذبح دختر نوجوان معصوم "برای رضای خاطر" بت های معبد و سعادت خیالی و ننگین پیروان آن مذهب خواندم و دیدم ، چنان حال مرا به هم زد که تا ایندم قادر نیستم به موضوع دیگری فکر خود را متمرکز نمایم. چگونه ممکن است در شروع دومین دهه قرن حاضر که مدعیان تمدن بشری با تبلیغات سالوسانه و مغرضانه خود گوش جهانیان را از بام تا شام کرمی نمایند ؛ بر هر رژیم رقیب و مخالف خود تخطی از حقوق بشر را اتهام می بندند ، خود را یکه تاز دفاع از حقوق فرد فرد انسان روی زمین جا می زنند... ولی اتباع "تمدن" شان برای کام گرفتن از کودکان خردسال تایلند ، هر سال به آنجا "سیاحت جنسی" می نمایند... و با دادن چند دلربا به آن کودکان ، آنها را به بردگان جنسی خود مبدل می سازند... چگونه ممکن است که این "تمدن ها" ندانند که آن چنان وحشتی که واقعاً موبر اندام انسان راست می کند، در کشوری چون تایلند وجود دارد و آن خرافات با کمال راحتی به عنوان یک "رسم مذهبی" با رعایت احترام "تمدن ها" به "آزادی دین و مذهب" انجام می یابد؟؟

آیا می توان قبول نمود که انسان معصوم و نابالغی را بدون اندک ترین جرم و ارتکاب جنایت، با توجیه رسم و عنعنه مذهبی ، می توان به شکل "ایروتیک" (کاملاً برهنه و در دربرابر دیدگان جمع خفاش) ذبح نمود و خونس را به همگان داد تا بنوشند و "تطهیر" شوند!!!! اگر این عنعنه در امریکای لاتین صدها سال پیش مروج بوده ، آن "تمدن ها" با وجود نام تمدن و آثار باستانی که از آنها به جا مانده ، تجسمی از جهالت و بربریت در نوع خود بوده اند زیرا در آن "تمدن" ها همین رسم قربانی انسان معمول بوده است ولی آیا انسان واقعی قرن بیست و یک می تواند چنین جنایتی را آگاه شود ولی خاموشی اختیار نموده هیچ گونه واکنشی از خود نشان ندهد؟؟؟

هموطن! هر که هستی و وهراندیشه و فکری که داری ، به حیث انسان و مدافع حقوق انسان ، نگذار که این جنایت بیشتر دوام پیدا نماید. مؤسساتی که مدعی دفاع از حقوق بشر اند و رعایت آن را شعار خود قرار داده اند باید نشان دهند که حداقل یک بار هم که شده قادر اند حرف خود را در عمل ثابت نمایند!

امید گردانندگان پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" ، با بشردوستی که دارند ، با ذکر منبع دریافت گزارش و عکس ها و یاهم با هرابتکاری که لازم می دانند ، مبارزه به ضد آن وحشت و جنایت را عملاً راه انداخته و زمینه تحرک و امکان ابراز واکنش در برابر آن تراژی دیدی انسانی را برای همکاران قلمی و علاقمندان خود میسر سازند.

با امتنان و سپاس انسان دوستانه!